

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۷

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال اول

مقالات

توصیف خواسته در قانون و رویه قضایی • اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی
آنسیترال • مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری • شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی
شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا • اصول حاکم بر تعارض ادله اثبات دعوا • جلوه‌های
حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه؛ از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

موضوع ویژه: بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و کشورهای دیگر

مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس • مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات
نهانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار • تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی • مبارزه با
تقلب در بازارهای اوراق بهادار؛ نگاهی به نظم حقوقی بازار اوراق بهادار در ایالات متحده آمریکا •
بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نهانی • مسؤولیت
مدنی کارگزاران بورس و فرایند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه • مسؤولیت کارگزاران در
معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داوری • نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و
تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن • داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار • ماهیت حقوقی و
صلاحیت‌های هیأت داوری بازار اوراق بهادار • قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو
قانون بازار اوراق بهادار • آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس
اوراق بهادار • ادغام فرامرزی بازارهای بورس سهام و اوراق بهادار: توهم یا واقعیت؟

نقد و معرفی

ملاحظات پیرامون «نظریه مشورتی کوزوو» • بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگاری اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی • نقدی بر قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
• علائم تجاری غیر سنتی • قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازنمایی نبرد حق و قدرت در جهان
نامتحد • ششمین دوره مسابقات شبیه‌سازی دیوان کیفری بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_40931.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹
صفحات ۹۵ الی ۱۱۴، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۴/۱۱

مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری

جواد صالحی*

چکیده: امنیت جزء لاینفک کرامت و ارزش والای انسانی و اساس و پایه حیات جامعه بشری است. امنیت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد امنیت، از چالش‌های جدی فراروی دولت‌ها می‌باشد؛ به نحوی که برای تأمین آن به چاره‌اندیشی واداشته شده‌اند. دولت‌ها، صرف‌نظر از گستره وسیع ابزارهای تأمین امنیت اجتماعی، سعی کرده‌اند تا با تصویب قوانین، به تضمین آن بپردازند. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز از این رویه پیروی کرده است. از این رو، مقنن تأمین امنیت اجتماعی را در قوانین کیفری با مباحث: امنیت فردی، قضایی و حیثیت افراد دنبال کرده است تا حقوق کیفری، که دربرگیرنده حمایتها و ضمانت اجرای کیفری است، هسته اصلی تنشها در سیاست جنایی امنیت محور باشد. **کلیدواژه‌ها:** امنیت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت قضایی، امنیت حیثیت افراد، قوانین کیفری

درآمد

اندیشه تأمین امنیت و حمایت از سازوکارهای آن، قدمتی به درازای حیات بشر بر روی کره خاکی دارد. چرا که سابقه تجاوز و تعدی به امنیت افراد و جامعه به آغازین روزهای حیات انسان برمی‌گردد. با مرور تاریخ به زورگویی‌ها، قتل، غارتها و رفتارهای ضدانسانی و ضداخلاقی برمی‌خوریم که از طرف زورگویان و مستبدان علیه امنیت انسانها صورت گرفته است. اما فطرت آزادی‌خواه انسان، تحمل این تعرضها را از خویش سلب کرد تا در تلاشهای سازنده بشردوستان برای توسعه امنیت فردی و اجتماعی سهمیم باشد و حتی آن را با مطالبه از دولت در وضع قوانین متحول سازد و تکامل بخشد.

امنیت، «کالایی عمومی»^۱ است که تأمین آن از وظایف دولت‌ها است و «ضرورت اساسی ایجاد

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور کرمان salehi@pnuk.ac.ir

^۱ محمد میرمحمدی، «توسعه و امنیت»، فرهنگ اندیشه، ۱۳۸۴، ش ۱۵-۱۴، ص ۱۱۰.

و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع می‌باشد.^۲ از این رو بدیهی است هر کس به عنوان عضوی از اجتماع، حق برخورداری از امنیت اجتماعی را دارا است و «مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی...» (ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر)^۳ (زین پس، اعلامیه) آن را به دست آورد.^۴

مفهوم امنیت، صرف‌نظر از «ادبیات ضعیف و فاقد معنای روشن، واضح و مورد اجماع همگان»^۵، از ریشه لاتین «securus» به معنای «رهایی از اضطراب، هراس، ترس و نگرانی»^۶ است؛ که برخی آن را به معنی «سکونت روح و از بین رفتن ترس»^۷ آورده‌اند که منوط به «رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری مطلوب از فرصتهای پیش روی»^۸ است.

مفهوم حقوقی امنیت، «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است»^۹؛ تا این که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود نداشته و هیچ عاملی حقوق آنها را به خطر نیاندازد. در این معنا، حفاظت جامعه و ارزشهای آن در برابر تهدیدهایی که «بقای نظام شهروندی و شیوه زندگی افراد جامعه را مختل کرده و موجودیت آنها را به خطر می‌اندازد»^{۱۰}

^۲ لئو اشتراوس، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۶۲.

^۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر یک سند بین‌المللی است که در دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است و شامل ۳۰ ماده است. این اعلامیه به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه؛ حقوق بنیادی مدنی و سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی که باید ابناى بشر در هر کشوری از آن برخوردار باشند را مشخص کرده است.

^۴ از همین جاست که تأمین آزادیهای اساسی و اعطاء حقوق ابتدایی مردم در اکثر کشورها از وظایف دولتها می‌باشد که در قوانین اساسی آنها وارد شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تأمین «آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون»، «حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد» و «رفع تبعیضهای ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» از وظایف دولت بر شمرده می‌شود (بندهای ۷، ۹ و ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی) تا آنها را برای مردم به رسمیت بشناسد.

^۵ حسین محبوبی منش، «امنیت و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۱، ش ۱۸، ص ۱۳۸.

^۶ رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج ۱، ۱۳۷۹، ص ۴۴؛ و نیز قدیر نصیری، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، راهبرد، ۱۳۸۱، ش ۲۶، ص ۱۱۴؛ و نیز محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۶، ۱۳۶۳، ص ۳۵۲؛ و نیز حسن عمید، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۱۹، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳.

^۷ راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۲.

^۸ رضا خلیلی، «مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ش ۲، ص ۴۲۸.

^۹ عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۵۴۸.

^{۱۰} حسین قریب، «تحولات طبقات اجتماعی در ایران و تهدیدات بالقوه آن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

امنیت اجتماعی نام می‌گیرد که پدیده‌ای ادراکی و احساسی است و فقدان آن، «موجب سلب اطمینان از توده مردم برای ادامه زندگی بدون دغدغه می‌گردد.»^{۱۱} بنابراین امنیت پیش از آن که واقعیتی بیرونی باشد، «ماهیتی ذهنی و ادراکی از آسیب‌پذیری و تهدیدات امنیتی»^{۱۲} دارد و «غیرقابل اندازه‌گیری»^{۱۳} است.

در این مقاله سعی می‌شود به مؤلفه‌های امنیت اجتماعی؛ امنیت فردی (مبحث اول)، قضایی (مبحث دوم) و حیثیت افراد (مبحث سوم) در قوانین کیفری با اشاره‌ای بر اسناد بین‌المللی بپردازیم و نقیصه‌های آن را به تحلیل و بررسی بگذاریم.

مبحث اول: امنیت فردی

محقق شدن امنیت اجتماعی برای «دستیابی به مطلوبهای دیگر»^{۱۴} و ارتباط آن با حریم افراد در تعامل با دیگر افراد جامعه، تحت عنوان امنیت فردی مطرح می‌شود. امنیت فردی، «تأمین‌کننده آرامش انسان»^{۱۵} و پایه و شالوده همه حقوق و آزادیهاست؛ زیرا وقتی انسان امنیت نداشته باشد، استفاده از سایر حقوق و آزادیها، برای او مفهومی نخواهد داشت. ناامنی، «فضایی توأم با بی‌نظمی را ایجاد می‌کند که افراد جامعه قادر به کنترل جامعه خویش نیستند»^{۱۶} و به موجب این ناامنی «مجبور به مراقبت و محافظت غیرضروری از خویش می‌شوند»^{۱۷} و نمی‌توانند به فعالیتهای اجتماعی بپردازند. در جامعه کنونی مفهوم امنیت فردی، چیزی بیش از معنایی است که برای اولین بار در اعلامیه، تحت عنوان «حمایت فرد از بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی»^{۱۸} مطرح گردید. در پرتو امنیت فردی؛ نه تنها شخص در رفت و آمد و ترک و اقامت در هر نقطه از داخل و یا خارج از کشور، آزاد و از توقیف بدون دلیل مصون و محفوظ است، بلکه «کیفیت روش زندگی مطابق نیازها و آرزوهای مشروع افراد»^{۱۹} فراهم می‌گردد. در بستر امنیت فردی، مؤلفه‌های دیگری

۱۳۷۷، ش ۱۴۴-۱۴۳، ص ۱۰۲.

^{۱۱} علی‌اصغر کاظمی، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران، نشر قومس، ج ۱، ۱۳۵۲، ص ۱۱۷.

^{۱۲} باقر ساروخانی و منیژه نویدنیا، «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، فصلنامه رفاه

اجتماعی، ۱۳۸۵، ش ۲۲، ص ۹۶.

^{۱۳} رضا داوری، اندیشه پست مدرن، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷.

^{۱۴} شهلا کاظمی‌پور، «جمعیت و امنیت ملی»، همایش توسعه و امنیت عمومی، ۱۳۷۵، ص ۷۶.

^{۱۵} Richard W. Jones, *Security, Strategy & Critical Theory*, London, Lynne Rienner Publications, 1999, P.102

^{۱۶} M.C. Scheider, T. Rowell & V. Bezdikian, "The Impact of Citizen Perceptions of Community Policing on Fear of Crime; Findings from 12 Cities", *Police Quarterly*, 2006, p. 363.

^{۱۷} G. Wilson-Doenges, *An Exploration of Sense of Communities, Environment & Behavior*, 2000, p. 597.

^{۱۸} ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، ج ۱۲، ۱۳۸۳، ص ۵۵۷.

^{۱۹} باری بوزان، مردم، دولتها و هراس، تهران، ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۳۱.

وجود دارد، که به تفکیک به بررسی آنها در قوانین کیفری می‌پردازیم.

بند اول: امنیت در رفت و آمد و اختیار مسکن

افراد در رفت و آمد و اختیار مسکن و محل اقامت خود تابع اراده آزاد خود بوده و هیچ‌گونه اجبار یا منعی در انتخاب آن ندارند. به همین جهت «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، ...» (اصل ۳۳ قانون اساسی) (زین پس، ق.ا.)، مگر در صورتی که قانون آن را اجازه بدهد.

بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۳ اعلامیه، نیز آزادی در عبور و مرور و انتخاب محل سکونت را مورد شناسایی و تأکید قرار داده‌اند. ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۲۰} (زین پس، میثاق) نیز در تکمیل و تأیید اصل فوق، به آزادی عبور و مرور، انتخاب مسکن و ترک محل اقامت اشاره کرده است. همچنین بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۲۱} (زین پس، کنوانسیون اروپایی) حق برخورداری افراد از احترام به محل سکونت خویش را یادآور شده است. البته این آزادی در عبور و مرور مطلق نیست و طبیعی است که دارای محدودیتهایی باشد. از این رو، بند ۳ ماده ۱۲ میثاق، محدودیتهای وارده بر این اصل را مقرر نموده است. ضمن آن که مطابق اصل ۳۲ ق.ا، اگرچه اصل بر آزادی اقامت است، ولی پاره‌ای محدودیتهای قانونی وجود دارد که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱- پناهندگی

حق عبور و مرور آزادانه در داخل کشور از حقوقی است که به لحاظ حفظ امنیت، نظم عمومی و اصول دیگر راجع به حاکمیت دولتها، با محدودیتهایی مواجه است. یکی از این محدودیتهای «پناهندگی» و آزادی عبور و مرور خارجیها در کشور دیگر است. پناهنده به «علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروههای خاص اجتماعی از ترس جان و یا شکنجه خود و خانواده‌اش»^{۲۲} به کشور دیگر پناهنده می‌شود. چرا که افراد حق دارند در برابر «... تعقیب، شکنجه و آزار ... در کشورهای دیگر پناه اختیار نمایند» (بند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه). اصل ۱۵۵ ق.ا. نیز اعطاء پناهندگی

^{۲۰} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این میثاق در سال ۱۹۶۶ منعقد شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ الزام‌آور شد. میثاق بین‌المللی از حقوق بنیادینی مثل حق حیات، حق رهایی از توقیف یا بازداشت خودسرانه، حق رهایی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و حق دادرسی عادلانه حمایت می‌کند.

^{۲۱} کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم (ایتالیا) می‌باشد و از تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شده است.

^{۲۲} منوچهر طباطبایی مؤتمنی، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۸۲، ص ۵۴.

سیاسی به افراد را، مگر نسبت به افرادی که خائن و تبه‌کار می‌باشند، به رسمیت شناخته است. اما این پناهندگی مستلزم رعایت برخی مسائل از جانب کشور میزبان است،^{۲۳} که یکی از این موارد محدودیت در رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه است.

۲- اقامتگاه کارکنان و مأموران دولتی

کارکنان و مأموران دولتی به جهت حفظ انضباط و انجام وظایف اداری نیاز به حضور دائم در محل خدمت خود دارند که تحقق این امر، مستلزم سکونت دائم آنها در حوزه اداره متبوع خویش می‌باشد.^{۲۴} به همین جهت مقنن، اقامتگاه کارکنان و مأموران دولتی را محل مأموریت آنها قرار داده است (مواد ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ ق.م.).

۳- اقامتگاه زن شوهردار

در حقوق خانواده، اقامتگاه زن شوهردار، همان اقامتگاه شوهر^{۲۵} (ماده ۱۰۰۵ ق.م.)، و اقامتگاه محجوران، همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است (ماده ۱۰۰۶ ق.م.).

۴- اقامت اجباری محکومان

آزادی در رفت و آمد محکومانی که به موجب حکم دادگاه به ممنوعیت از اقامت در محلی خاص یا اجبار به اقامت در محل خاص محکوم شده‌اند، محدودیت می‌یابد. دادگاه می‌تواند «کسی که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم شود ...» را «... به عنوان تنمیم حکم تعزیری یا بازدارنده ...» از اقامت در «... نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین ...» مجبور نماید. (ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی).

در خصوص حمایت کیفری از امنیت در رفت و آمد و اختیار مسکن، به نظر می‌رسد ماده ۵۷۰ ق.م.ا. هر چند که به صورت مطلق ذکر شده است، ولی گویای حمایت کیفری از آن می‌باشد. چرا که این ماده به سلب «... آزادی شخصی افراد ملت ...» و محرومیت آنان از «حقوق مقرر در قانون اساسی ...» اشاره دارد. بنابراین امنیت در رفت و آمد و اختیار مسکن از حقوقی است که در قانون اساسی برای افراد ملت مقرر شده است و تعرض به آن در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. دارای ضمانت اجرا می‌باشد. لیکن ماده ۵۷۰ ق.م.ا. شامل مقامات و مأموران دولتی است و

^{۲۳} ماده ۲۶ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (۱۹۵۱) که دولت ایران نیز به آن ملحق شده است (۱۳۵۵)، دولت‌های متعاقد را مکلف کرده است که برای پناهندگان ساکن در کشورهای خویش، حق برخورداری از عبور و مرور آزادانه و انتخاب محل سکونت را قائل شوند.

^{۲۴} منوچهر طباطبایی مومنی، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، ج ۵، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹.

^{۲۵} البته زن در دو حالت حق دارد شخصاً محل سکونت خویش را معین کند؛ در صورتی که شوهر چنین اختیاری به او داده باشد و یا در صورتی که بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد.

اشخاص عادی را دربر نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد ماده ۵۸۳ قانون مذکور نیز حمایت کیفری از امنیت رفت و آمد را پیش‌بینی کرده است. محتویات این ماده به توقیف غیرقانونی اشخاص اشاره کرده است، تا فرد خاطی که اقدام به توقیف فردی در غیرموارد قانونی می‌کند، به مجازات محکوم گردد.

بند دوم: امنیت حریم خصوصی

حریم خصوصی را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشر تلقی کرد که با شخصیت انسان ارتباط مستقیم دارد. رهایی انسان از تجسس، تفتیش و نگاه کنترل‌کننده دیگران، از حقوقی است که لازمه یک شخصیت مستقل به شمار می‌رود. کلیه افراد بشری بدون توجه به ویژگیهای جنسیتی، نژادی و مذهبی حق برخورداری از حریم خصوصی را به عنوان یکی از حقوق مدنی دارا هستند.

حریم خصوصی، بخشی از محیط زندگی هر فرد است که انتظار می‌رود دیگران بدون رضایت دارنده آن، به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند و آن را مورد تعرض قرار ندهند، تا این که حرمت آن مثل جان و مال حفظ شود (اصل ۲۲ ق.ا.). تجاوز به حریم خصوصی افراد به هر نحو، ممنوع است و از نظر قانونی، شرعی و اخلاقی امر پسندیده‌ای به شمار نمی‌رود.

حفظ حریم خصوصی به طور رسمی برای نخستین بار در ماده ۱۲ اعلامیه مورد تأکید قرار گرفت تا بر اساس آن زندگی خصوصی، امور خانوادگی و ... افراد، مورد مداخله خودسرانه قرار نگیرد. ماده ۸ کنوانسیون اروپایی، ضمن اشاره به حق برخورداری افراد از امنیت زندگی خصوصی و خانوادگی، اقامتگاه و ارتباطات، قدرت عمومی را از هر گونه مداخله خودسرانه نسبت به زندگی خصوصی افراد برحذر می‌دارد، مگر آن که این دخالت به موجب قانون و در جهت حفظ نظم عمومی، امنیت ملی، سلامت و اخلاق حسنه و رفاه اجتماعی و یا حمایت از حقوق دیگران ضروری باشد. بند «ب» ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، نیز تجاوز به حریم خصوصی افراد را ممنوع شناخته است. بنابراین شکی نیست که «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه بدون مجوز یا خلاف قانون قرار گیرد...» (مواد ۳ و ۱۲ اعلامیه و ماده ۱۷ میثاق)، وگرنه فرد مورد تعرض حق داشته باشد «... در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرضات از حمایت قانون برخوردار شود.» (مواد ۳ و ۱۲ اعلامیه و ماده ۱۷ میثاق)

ورود بدون اجازه به منازل و اماکن خصوصی، ایست و بازرسیهای بدنی و تفتیش بدنی، دسترسی به اطلاعات شخصی، افشاء مسائل خصوصی در جامعه، فضولی در امور دیگران و پاییدن افراد از مهم‌ترین مصادیق سنتی اعمال نقض‌کننده حریم خصوصی افراد محسوب می‌شوند.^{۲۶} اما تحت تأثیر تحولات و پیشرفتهایی که به مرور زمان در زمینه‌های علمی، اجتماعی و

^{۲۶} باقر انصاری، «حریم خصوصی متقاضیان کار و کارگران»، نشریه علمی تخصصی حقوق عمومی، ۱۳۸۵،

اقتصادی صورت گرفته است، مفهوم حریم خصوصی نیز متحول و از مفهوم سنتی‌اش متفاوت شده است.^{۲۷} فناوریهای نوین نه تنها اشکال جدیدی از حریم خصوصی، بلکه اشکال جدید نفوذ به این قلمرو را نیز به وجود آورده است. شنود تلفن و نصب گیرنده‌های مخفی در محل کار، خانه و خودروی افراد، ورود به فضای مجازی کاربران؛ از جمله این موارد است که ناقض حقوق و آزادیهای فردی شهروندان است که حتی «بهانه مبارزه با جرم نیز نمی‌تواند آن را توجیه سازد.»^{۲۸}

حریم خصوصی در حقوق ایران تعریف نشده،^{۲۹} و با این عبارت در قوانین ایران از آن نشانی نیست. با وجود این، عناوینی نظیر «مصونیت» و «امنیت» در قانون اساسی و سایر قوانین عادی، تداعی‌کننده حریم خصوصی می‌باشد. به بیان دیگر، اگرچه در قانون اساسی، فصل خاصی به حمایت از حریم خصوصی اختصاص داده نشده است، ولی مصونیت حیثیت، جان، مال، مسکن، حقوق و شغل اشخاص از تعرض (اصل ۲۲ ق.ا.) و نیز آزادی اطلاعات و آزادی ارتباطها و ممنوعیت تجسس آن (اصل ۲۵ ق.ا.) مورد توجه قرار گرفته است و بر رعایت حقوق انسانی همه افراد (اصول ۱۴ و ۲۰ ق.ا.)، تأکید شده است.

مؤلفه‌های حفظ امنیت حریم خصوصی با توجه به اصول قانون اساسی و قوانین موجود، صرف‌نظر از لایحه حمایت از حریم خصوصی، می‌تواند شامل مصونیت مسکن (۱)، مکاتبات، مکالمات و مخابرات (۲)، اسرار شخصی (۳)، مراسم خصوصی (۴) و فضای مجازی (۵) باشد که در ادامه به تفکیک به بررسی جایگاه و حمایت کیفری از آن در قوانین موجود می‌پردازیم.

۱- مصونیت مسکن

مسکن، خلوت‌ترین محلی است که می‌توان برای انسان ترسیم کرد. مسکن در معنی متعارف آن،

^{۲۷} منصور رحمدل، «حق انسان بر حریم خصوصی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۴، ش ۷۰، ص ۱۲۱.

^{۲۸} علی حسین نجفی ابرندآبادی، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در: علوم جنایی (نکوداشت‌نامه استاد محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، ج ۱، ۱۳۸۳، ص ۵۸۹.

^{۲۹} در پرتو اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی، لایحه «حمایت از حریم خصوصی» مشتمل بر ۷ فصل و ۸۳ ماده و دربرگیرنده مباحثی از جمله؛ رعایت حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی در محل کار، حریم خصوصی اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات و مسؤولیتهای ناشی از نقض حریم خصوصی تدوین و با هدف حمایت از کرامت انسانی، از سوی دولت هشتم به مجلس تقدیم شد اما چندی بعد، به دلیل اینکه بسیاری از مواد این لایحه، تکرار مواد قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (۱۳۸۳) (زین پس، قانون حقوق شهروندی) می‌باشد، با تقاضای استرداد دولت مواجه شد تا این که برابر بند (ه) ماده ۱۳۰ قانون برنامه پنج ساله چهارم و در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی، قوه قضاییه موظف باشد تا لایحه جدیدی را تحت عنوان «لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» تدوین و به مجلس ارائه دهد.

برحسب ازمنه و امکانه مختلف و شکل و ظاهر آن مختلف است. اما به طور کلی منظور از مسکن؛ خانه، آپارتمان و هر محلی است که در یک برهه از زمان، شخص و یا اعضای خانواده‌اش در آن سکونت دارند. در این معنا مسکن افراد، تأمین‌کننده امنیت جسمانی و بخشی از حریم خصوصی آنها می‌باشد که مصون از تعرض است (اصل ۲۲ ق.ا.د.ک) و کشف جرم بدون رعایت ضوابط قانونی نیز نمی‌تواند بهانه‌ای برای نقض آن باشد.

مقنن در مواد ۷۸، ۷۹ و ۹۶ تا ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری در امور دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۷۸) (زین پس، ق.ا.د.ک.)، بر لزوم رعایت حریم مسکن افراد تأکید ورزیده است و تخطی از آن را با کیفر تهدید کرده است. از این رو، رعایت حرمت مسکن افراد این الزام را به وجود می‌آورد که تشریفات ورود به منزل و سایر اماکن و تفتیش و بازرسی اشیاء (مواد ۹۶ تا ۱۱۱ ق.ا.د.ک.)، «کاملاً مدنظر ضابطین و مقامات قضایی قرار گیرد»،^{۳۰} تا این که اولاً: به صرف گزارش ضابطان و بدون وجود دلایل کافی دستور بازرسی و تفتیش صادر نگردد؛ ثانیاً: «دستور بازرسی یا تفتیش، مجوز ورود به منزل یا سایر اماکن خصوصی افراد نباشد، ... مگر آن که علاوه بر دستور تفتیش، اجازه ورود مأموران به محل مورد بازرسی داده شده باشد»؛^{۳۱} ثالثاً: ورود به منزل یا هر مکانی که حریم خصوصی افراد است، صرفاً به منظور دستگیری متهم یا کشف اسباب و دلایل جرم صورت گیرد؛ رابعاً: در صدور حکم ورود به منزل در صورت وجود تراحم بین حقوق اشخاص و موضوع تفتیش، بازرسی در صورتی مجاز خواهد بود که از حقوق آنان مهم‌تر باشد یا حداقل نقض و محدود ساختن آن تنها بر مبنای ضرورت تحقیق و نص قانون باشد.^{۳۲} تا رعایت آن موجب امنیت فردی گردد.^{۳۳}

^{۳۰} نگاهی به حقوق شهروندی و آزادیهای مشروع در رسیدگیهای کیفری، معاونت آموزش قوه قضاییه، تهران، نشر قضا، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۶.

^{۳۱} علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳.

^{۳۲} برای مطالعه بیشتر، نک: مانده میرشمس شهبهانی، «حمایت از حریم خصوصی در جریان تحقیقات مقدماتی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

^{۳۳} در این راستا می‌توان به بخشنامه شماره (۱۳۷۸/۱۲/۱-۱۷۸/۱۲۶۷۰) ریاست محترم قوه قضاییه اشاره کرد که بر جواز بازرسی منازل و اماکن در موارد ضروری و اجتناب از اعطای نمایندگی مطلق و کلی تأکید دارد. در این بخشنامه آمده است، «نظر به اصل ۲۲ قانون اساسی و با لحاظ بخش آخر ماده ۲۴ ق.ا.د.ک، که تفتیش منازل و اماکن در غیرجرائم مشهود را توسط ضابطان، مستلزم اجازه مخصوص مقام قضایی دانسته است؛ در مواردی که به موجب دلایل، ظن قوی به وجود متهم یا کشف آلات و مدارک جرم در محلی، بازرسی منازل را ایجاب نماید، نحوه اقدام باید بر اساس مقررات فصل سوم قانون اخیر، صورت گیرد و از بازرسی در غیرموارد مهم و ضروری و نیز تفویض نمایندگیهای مطلق و کلی اجتناب گردد. اجازه بازرسی و اعطای نمایندگی به ضابطان در مورد خاص هم باید پس از اعلام وقوع بزه باشد و در آن، زمان و مکان بازرسی، مشخصات نماینده و حدود مأموریت او درج گردد تا در موقع مراجعه مأموران به محل مورد نیاز

لذا در صورتی که مأمور قضایی یا غیرقضایی «... بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود...» (ماده ۵۸۰ ق.م.ا.) مرتکب عمل غیرقانونی شده است. و به همین نحو اگر این عمل حتی از سوی غیرمأموران «... به عنف یا تهدید...» (ماده ۶۹۴ ق.م.ا.) صورت گیرد، نیز قابل مجازات است. البته دقت در سیاق مواد فوق‌الذکر ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که حرمت منازل و اماکن متعلق به افراد اگرچه از تجاوز فیزیکی (ورود غیرقانونی، به عنف و بدون اجازه) مدنظر مقنن قرار گرفته است، اما تجاوز غیرمادی (به کار گماردن دوربین و نظاره کردن در منزل دیگری)^{۳۴} مورد توجه قرار نگرفته است.

۲- مصونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات

از جلوه‌های نقض حریم خصوصی افراد، استراق سمع و مداخله در مکالمات افراد است. اصل عدم جواز استراق در زندگی شخصی افراد، علاوه بر اشخاص عادی برای مقامات قضایی و انتظامی نیز جاری است.^{۳۵} وجود ابزار پیشرفته فنی و الکترونیکی تجسس و سهولت به کارگیری آن از سوی دولتها، می‌تواند خطری جدی علیه امنیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات افراد باشد. چرا که از این طریق خلوت افراد به راحتی در معرض رؤیت و شنود مستخدمان و مأموران دولتی قرار می‌گیرد. پس لازم می‌آید تا استفاده از این ابزارها محدود و «کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود» (تبصره ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک.) ممنوع باشد.

همه افراد حق دارند تا «زندگی خصوصی، امور خانوادگی و اقامتگاه یا مکاتبات،...» آنها با اقداماتی از جمله؛ «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکسی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس...» (اصل ۲۵ ق.ا.) مورد مداخله خودسرانه، بدون مجوز یا خلاف قانون قرار نگیرد (ماده ۱۲ اعلامیه و ماده ۱۷ میثاق) و از «... افشاء مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکسهای فامیلی و فیلمهای خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد» (بند ۸ ماده واحده قانون حقوق

بازرسی، در صورت مطالبه صاحبخانه یا متصرف، آنها بتوانند مدارک مثبت سمت نمایندگی و اقدام قانونی خود را ارائه دهند».

^{۳۴} در موضوع مشابه شعبه ۵ دادگاه عمومی ورامین در رأی شماره ۵۰۴-۱۳۷۷/۵/۲۶-۵۰۴ به ماده ۶۳۸ ق.م.ا. استناد کرده است، در حالی که این ماده ارتباط چندانی با این موضوع ندارد. در این رأی چنین آمده است: «... در یک شب در حالی که شاکتی و همسرش در حال استراحت بوده‌اند، متهمان... از نورگیر پشت بام نظاره‌گر نامبردگان بوده‌اند و بدین ترتیب مرتکب فعل حرام شده‌اند و دادگاه مستنداً به ماده ۶۳۸ ق.م.ا. آنان را به... محکوم می‌نماید».

^{۳۵} حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۱، ص ۲۹۵.

شهروندی)، تا مصونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات حفظ گردد.^{۳۶} و حسب مورد «مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع...» یا «... افشاء مطالب...» (ماده ۵۸۲ ق.م.ا.) مکاتبات، مکالمات و مخابرات بدون مجوز قانونی، تهدید به کیفر گردد.^{۳۷}

۳- مصونیت اسرار شخصی

اسرار شخصی افراد از مؤلفه‌های تشکیل دهنده حریم خصوصی است. طبیعی است که هر فردی اسرار شخصی متعلق به خود داشته باشد که مایل به فاش شدن آن نباشد، ولی بنا به ضرورت این اسرار را با عده‌ای در میان بگذارد. فاش شدن اسرار شخصی نزد افراد خاص به منظور مشاوره گرفتن، یافتن راه‌حل مناسب برای رفع مشکل شخصی و یا درمان آن، این نگرانی را به وجود می‌آورد که مبدا مورد سوءاستفاده یا اعلان برای افراد دیگری قرار گیرد که صاحب اسرار به آن تمایل نداشته باشد. به همین لحاظ مقنن به جرم‌انگاری افشاء اسرار خصوصی مردم بدون رضایت دارنده این اسرار پرداخته است. تضمین حفظ اسرار شخصی در دو ماده ۵۸۲ و ۶۴۸ ق.م.ا. به صراحت اعلام شده است.

هر چند ماده ۵۸۲ ق.م.ا. به نوعی مصونیت اسرار مردم را پیش‌بینی کرده است، اما ماده ۶۴۸ این قانون، به حمایت کیفری صریح‌تری پرداخته است تا «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبات شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به...» مجازات محکوم شوند. اگرچه این ماده به ذکر چند طبقه از صاحبان مشاغل (اطباء، جراحان، ماماها و دارو فروشان) اکتفاء کرده است، لیکن از قید «... کلیه...» می‌توان نتیجه گرفت که صاحبان مشاغل دیگر نظیر وکلای دادگستری، روانشناسان و... که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم هستند، نیز در صورت افشاء اسرار خصوصی مردم در غیر مواردی که قانون اجازه داده است، مشمول مقررات این ماده قرار می‌گیرند.

دسته دیگر از اسرار شخصی، اسرار تجاری است. مقنن به منظور حمایت از رقابتهای مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، اسرار تجاری را که شامل «... اطلاعات، فرمولها، الگوها، نرم‌افزارها و برنامه‌ها، ابزار و روشها، تکنیکها و فرایندها، تألیفات منتشر نشده، روشهای انجام تجارت و داد و ستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرحهای

^{۳۶} لیکن این ممنوعیت مطلق نیست و دارای استثنائی می‌باشد، که می‌توان به اصل ۷۹ قانون اساسی، ماده ۱۰۳ ق.ا.د.ک و تبصره ماده ۱۰۴ ق.ا.د.ک اشاره کرد.

^{۳۷} راجع به مصونیت مکاتبات و مراسلات نیز همین عبارات در ماده ۱۶ قانون تشکیل شرکت پست (۱۳۶۶) تکرار شده است: «هر یک از کارکنان شرکت یا مستخدمان یا مأموران دولت یا اشخاصی که به هر نحوی به همکاری و خدمت دعوت شده‌اند، مراسلات و نامه‌های اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده مفتوح یا بازرسی یا توقیف یا معدوم نمایند یا مندرجات و مطالب آنها را بدون اجازه صاحبان آنها افشاء یا آشکار نمایند، علاوه بر مسؤولیت مدنی به کیفر جرایم مذکور در [ماده ۵۸۲] ق.م.ا. محکوم خواهند شد.»

تجاری و امثال اینها...» (ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک) (۱۳۸۲) می‌باشد، به عنوان یکی از مصادیق اسرار شغلی و شخصی، در پرتو حمایت کیفری قرار داده است، تا هر نوع «تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری... برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی» (ماده ۶۴ قانون مذکور) «... به منظور رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاههای تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی، با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیرمجاز...» قابل تعقیب و مجازات باشد. (ماده ۷۵ قانون مذکور)

۴- مصونیت مراسم خصوصی

یکی دیگر از اقسام حریم خصوصی، مراسمهای خصوصی افراد مانند مراسم عروسی، جشن تولد، مهمانیها و... است. با توجه به طبع چنین مراسمهایی که نزدیکان و اقوام در آن حضور دارند و تشریفات خاصی صورت می‌گیرد، بدیهی است که حاضرین مایل نباشند تصاویر برداشته شده از این مجالس در دسترس عموم قرار گیرد. مقنن نیز به منظور جلوگیری از لطمه‌های جبران‌ناپذیری که از این طریق به آبرو و حیثیت اشخاص وارد می‌شود، به حمایت کیفری پرداخته است تا مصونیت تصاویر چنین مراسمهایی حفظ گردد. طبیعی است که با فقدان مجازاتهای مناسب در برابر ارتکاب اینگونه جرایم، زمینه گسترش و به تبع آن ایجاد محیطی ناامن فراهم گردد.

در حال حاضر، امکان مجازات چنین افرادی که فیلم یا تصاویر خصوصی و حتی «... نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم...» مردم را تهیه و توزیع می‌کنند، در مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ ق.م.ا. و مواد ۳ و ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ (زین پس، ق.ا.س.ب.غ.)، وجود دارد.

ماده ۵ ق.ا.س.ب.غ. «... تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن...» را ممنوع اعلام کرده است تا به موجب آن اطمینان خاطر مردم از استخدام فیلم‌بردار یا عکاس برای مراسمهای خصوصی و همینطور سپردن فیلمهای خصوصی خود برای چاپ، میکس، تبدیل یا... به لابراتوارهای عکس و فیلم تضمین گردد.

یکی دیگر از محلهایی که تهیه فیلم یا عکس از آن ممنوع می‌باشد، محلهای اختصاصی بانوان (حمامها، استخرها، باشگاههای ورزشی و اتاق پرو در بوتیک لباس) می‌باشد که مقنن این عمل را نیز جرم‌انگاری کرده است.^{۳۸}

اما این مقررات به صورت غیرمستقیم ناظر بر حریم خصوصی هستند و هدف اولیه از وضع آنها، ممنوعیت پخش تصاویر مبتذل و مستهجن است، تا این که عفت عمومی حفظ گردد. این استنباط از نص ماده ۶۴۰ ق.م.ا. «... هر چیز که عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، برای تجارت یا توزیع، به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد» و

^{۳۸} «... ب) تهیه فیلم یا عکس از محلهایی که اختصاصی بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب می‌باشند مانند

حمامها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن...» (بند «ب» ماده ۵ ق.ا.س.ب.غ.).

اشاره دائم مقنن به واژه‌های «تکتیر» و «توزیع» (بند الف، «ب» و ج ماده ۳، بند «ب» و ج ماده ۵ ق.ا.س.ب.غ.) و معادل قرار دادن مجازات آن با «تهیه» فیلم و عکس، قابل استخراج است.

۵- مصونیت فضای مجازی

یکی دیگر از مسائل مربوط به حریم خصوصی افراد، تهدید حریم خصوصی افراد در فضای مجازی (اینترنت) است. در فضای مجازی (فضایی که اجزاء تشکیل‌دهنده آن، سیگنال‌های الکتریکی و الکترومغناطیسی است) افراد از طریق رایانه و وسائل مخابراتی به صورت زنده و مستقیم، صرف‌نظر از جغرافیای فیزیکی با یکدیگر ارتباط دارند. این فضا صرف‌نظر از کارکردهای مثبت در زندگی اجتماعی، می‌تواند عرصه جدیدی برای فعالیتهای غیرمجازی باشد که با منافع ملی، مصالح اجتماعی، موازین مذهبی و اخلاقی جامعه مغایرت دارد.

ظهور جرایم رایانه‌ای و اکشن‌های تقنینی متفاوتی را به همراه داشته است. مقنن برای مبارزه با کپی غیرمجاز از نرم‌افزارهای رایانه‌ای و داده‌های الکترونیکی در محیط مجازی، به تصویب قانون «حمایت از پدیده آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» (۱۳۷۹) و قانون «تجارت الکترونیک» (۱۳۸۲) و برای مبارزه با انتشار تصاویر مستهجن، به تصویب قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶، و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ (زین پس: ق.ج.ر.) پرداخته است.

طبیعی است با دیجیتالی شدن تجهیزات فیلم‌برداری و گسترش استفاده از تلفن‌های همراه مجهز به دوربین، امکان تهیه و تولید فیلم یا عکس از افراد برای انتشار در فضای مجازی یا ابزار تهدید برای ارتباط جنسی یا اخاذی^{۳۹} آسان باشد. مقنن برای مبارزه با این پدیده شایع انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایتهای کامپیوتری یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر (ماده ۱۰ ق.ا.س.ب.غ.) را مدنظر قرار داد. اما سیاق قانون مذکور فقط «انتشار» آثار مستهجن و مبتذل را دربر می‌گرفت، که جامع نبود.

لذا مقنن در قانون جرایم رایانه‌ای فرایند مبارزه با این جرایم را تکمیل کرد. مقنن در این قانون علاوه بر این که تولید، ذخیره و نگهداری محتویات مستهجن به قصد ارسال، انتشار یا تجارت و همینطور توزیع و معامله آن به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حاملهای داده را ممنوع کرده است (ماده ۱۴ ق.ج.ر.)، افشاء یا در دسترس دیگری قرار دادن «صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری، ...» (ماده ۱۷ ق.ج.ر.) و تغییر، تحریف و انتشار «فیلم یا تصویر دیگری، ...» (ماده ۱۶ ق.ج.ر.) را نیز جرم‌انگاری کرده است.

مقنن در قانون جرایم رایانه‌ای، شنود غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سیستمهای رایانه‌ای، مخابراتی، امواج الکترومغناطیسی یا نوری (ماده ۲ ق.ج.ر.) و دسترسی

^{۳۹} «... الف) وسیله تهدید قرار دادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر...» (ماده ۵ ق.ا.س.ب.غ.)

غیرمجاز به داده‌ها، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است (ماده ۱ ق.ج.ر.) و شنود محتوای ارتباطات رایانه‌ای مگر در موارد مربوط به امنیت کشور یا با دستور مستقیم مقام قضایی، را ممنوع کرده است (ماده ۴۵ ق.ج.ر.) و حکم آن را همان حکم شنود تلفنی قرار داده است (ماده ۴۸ ق.ج.ر.).

مبحث دوم: امنیت قضایی

امنیت قضایی (یا امنیت حقوقی)، به عنوان یک «حق بنیادی انسانی»،^{۴۰} اساس تنظیم روابط انسانها است که استقرار آن در گرو تنظیم اقتدار هیأت حاکمه از طریق وضع قوانینی است که حدود و اختیارات آنان را به نحو منطقی مشخص می‌کند؛ تا این که «اصل حاکمیت قانون»^{۴۱} یکی از محورهای اساسی امنیت قضایی باشد و پای‌بندی به اوامر قانون را تضمین کند.

در پرتو امنیت قضایی، افراد مجاز به فعالیت می‌شوند، در حالی که مال، جان، حیثیت و شرافت آنها محفوظ است و کسی نمی‌تواند متعرض آنان گردد. بنابراین امنیت حقوقی، افراد را از هر نوع تجاوز و تعرضی نظیر؛ قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی، جسمی و سایر «مجازاتهای غیرقانونی»^{۴۲} و حتی هر عملی که منافی شؤن و حیثیت انسانی نظیر فحشاء و بهره‌کشی که منطبق بر «موازین منطقی و قانونی نباشد»،^{۴۳} مصون و در امان نگه می‌دارد. قانون اساسی؛ قوه قضاییه را مسؤول تحقق بخشیدن به امنیت قضایی و عدالت اجتماعی معرفی نموده است، تا این که «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» (بند ۱۴ از اصل ۱۳ ق.ا.) و «پاسداری از حقوق مردم» (دبیاچه ق.ا.) از وظایف حکومت اسلامی باشد و هر کس اجازه یابد که شکایات خویش را در مراجع قضایی مطرح سازد تا در پرتو آن احیای «حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادیهای مشروع» (بند ۲ اصل ۱۵۶ ق.ا.) محقق گردد.

حق دادخواهی علاوه بر این که در زمره حقوق و آزادیهای اساسی فردی محسوب می‌شود؛ ضامن حراست از حقوق و آزادیهای سیاسی، مدنی و اجتماعی و اقتصادی می‌باشد و تأثیر قابل توجهی در تأمین امنیت قضایی دارد. اگر افراد احساس کنند در زمینه‌ای که حق آنها مورد تعرض قرار گرفته است، مرجعی برای احقاق حق نیست؛ «سلامت جامعه و امنیت عمومی در معرض

^{۴۰} محمدحسین زارعی، «امنیت قضایی به مثابه حق»، مجلس و پژوهش، ۱۳۸۶، ش ۵۶، ص ۱۱.

^{۴۱} محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات و عدالت و انصاف، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹.

^{۴۲} محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، قم، مجتمع آموزش عالی قم، چ ۱، ۱۳۷۵.

^{۴۳} قاسم شعبانی، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، چ ۱۷، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹.

خطر قرار می‌گیرد.^{۴۴} بنابراین امنیت قضایی، زمانی میسر می‌شود که مراجع قضایی، بدون هیچ تبعیضی، به روی همه افراد گشوده باشد؛ و «هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، وضع اجتماعی، ثروت یا هر موقعیت دیگر، نباید مانع بهره‌مندی اشخاص از حقوق خود باشند» (ماده ۲ اعلامیه و بند ۱ ماده ۲ میثاق) و «آیین دادرسی و تشریفات آن، برای ارباب رجوع، پیچیده و پرهزینه نباشد»؛^{۴۵} تا اگر شهروندی مورد تعدی و تجاوز قرار گرفت؛ آزادانه و بدون هیچ مانعی بتواند به «دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف مراجعه و درخواست احقاق حق و رفع ظلم نماید»^{۴۶} و از این طریق «حقوق و مصونیت وی در برابر اعمال دولت یا گروه‌های اجتماعی»^{۴۷} محفوظ بماند.

در همین راستا، اصل ۳۴ ق.ا. چنین مقرر می‌دارد که «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند...» و هیچ‌کس را نمی‌توان از دسترسی به آن، منع کرد. و از طرفی هم این الزام را برای دادگاه‌ها به وجود آورد که دادگاه مکلف باشد «... حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابد و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید...»، بدون این که بتواند «... به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض یا ابهام قوانین مدون...» از رسیدگی و صدور حکم امتناع ورزند (ماده ۲۱۴ ق.آ.د.ک.).

به همین دلیل است که حق دادخواهی؛ تکلیف دادرسی و دادگری را برای قوه قضاییه ایجاب می‌نماید، تا انجام این وظیفه سنگین با توجه به کمیت و کیفیت دعاوی، نهایتاً در «... دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً...» (ماده ۱۰ اعلامیه) محقق گردد؛ چرا که هر کس حق دارد تا به دادخواهی او مطابق قانون و به صورت «... منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف...» رسیدگی شود (قسمت اول ماده ۱۴ میثاق) تا اینکه ضمن تضمین اصل حاکمیت قانون و تأمین امنیت قضایی، «حقوق شهروندی نیز احیاء گردد».^{۴۸}

تضمین مؤلفه‌های امنیت قضایی که نیازمند مداخله حقوق کیفری می‌باشد، مقنن را بر آن داشته است تا برای ایجاد نظام قضایی عدالت محور به حمایت از این مؤلفه‌ها بپردازد تا استماع شکایت محبوس غیرقانونی (بند اول)، قبول شکایت یا عدم رسیدگی به آن توسط قاضی (بند دوم) و منع اجبار به اقرار، شهادت و سوگند (بند سوم)، تحت لوای قانون قرار گیرد و انحراف از آن با

^{۴۴} جلال‌الدین مدنی، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران، نشر سروش، چ ۱، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵.

^{۴۵} منوچهر طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۷۲.

^{۴۶} محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، ج ۴، قم، انتشارات اشراق، چ ۲، ۱۳۸۱، ص ۳۴۵.

^{۴۷} محمدحسین زارعی، پیشین، ص ۱۵.

^{۴۸} یحیی جلیلود، مسئولیت مدنی قضات و دولت، تهران، نشر یلدا، چ ۱، ۱۳۷۳، ص ۹۴.

کیفر تهدید گردد.

بند اول: عدم استماع شکایت محبوس غیرقانونی

زمانی که فردی برخلاف قانون حبس شود و در خصوص حبس غیرقانونی خود به ضابطان دادگستری یا مأموران انتظامی شکایت نماید، این تکلیف برای ضابطان ایجاد می‌شود که این شکایت را استماع کرده و به مقامات ذیصلاح اعلام کنند. در صورتی که ضابطان قضایی در برخورد با چنین شکایاتی از رسیدگی امتناع ورزند و یا آن را به مقامات ذیصلاح ارجاع ندهند، خلاف مقررات قانونی عمل کرده‌اند و به موجب ماده ۵۷۲ ق.م.ا. مستوجب کیفر هستند.

ماده ۷۱ ق.آ.د.ک، ضابطان دادگستری را مکلف کرده که همه وقت شکایتهای کتبی و شفاهی را قبول کنند و ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (۱۳۸۱) دادستان را مرجع قبول شکایت اشخاص دانسته است. اما این شیوه برای حالتهای عادی است و در حالتی که شاکی در توقیف به سر می‌برد، امکان ندارد. بنابراین باید شکایت خود را تسلیم ضابطان یا مأمورانی کند که با آنان ارتباط دارد. چنین شکایات در خصوص حبسهای غیرقانونی مصداق دارد که در غیرموارد رسیدگی به پرونده توسط مقام قضایی مقرر می‌گردد.

بند دوم: امتناع از قبول شکایت یا عدم رسیدگی به آن توسط قاضی

زمانی که شکایت و تظلمی مطابق قانون نزد مقامات قضایی طرح می‌شود، تکلیف قانونی، رسیدگی به چنین شکایاتی است. اما گاهی اتفاق می‌افتد که مقامات قضایی به بهانه سکوت، اجمال یا تناقص قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع می‌کنند و یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر می‌اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار می‌کنند. چنین عملکردی نه تنها تخطی از حکم قانون، بلکه از موجبات محکومیت به مجازات نیز می‌باشد (ماده ۵۹۷ ق.م.ا.). البته بدیهی است که مقرر ماده ۵۹۷ ق.م.ا. ضمانت اجرای اصل ۱۶۷ ق.ا. است و فرقی نمی‌کند که دعوی مطروحه نزد قاضی دعوی مدنی یا کیفری باشد.

بند سوم: منع اجبار و شکنجه برای کسب اقرار، شهادت و سوگند

کسب اقرار، شهادت و سوگند باید در کمال امنیت و بنا به اراده شخص صورت گیرد. شکنجه یا «تحمیل عمدی و غیرقانونی درد و رنج مستمر روحی یا جسمی بر دیگری که به منظور کسب اطلاعات یا اخذ اقرار...»^{۴۹} صورت می‌گیرد، ممنوعیت جهانی و در هر شرایط اطلاق دارد. تقریباً همه اسناد بین‌المللی به ممنوعیت شکنجه و امر به رعایت حرمت انسانها به هنگام بازداشت و بازجویی صراحت دارند (ماده ۵ اعلامیه، ماده ۷ و شق ۷ از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، ماده ۲۰ اعلامیه

^{۴۹} محمدهادی صادقی، «ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز،

اسلامی حقوق بشر، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی، ماده ۲ کنوانسیون امریکایی و ماده ۵ منشور آفریقایی).

در حقوق داخلی، توسل به شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند ممنوع است (اصل ۳۸ ق.ا. و بند ۹ ماده واحده قانون حقوق شهروندی) تا «... محکومیت مستند به چنین اقراری در معرض بطلان ...» قرار گیرد.^{۵۰} ضمن این که «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی» که در این امر دخالت داشته باشند علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد، به حبس محکوم می‌شوند.^{۵۱} (ماده ۵۷۸ ق.م.ا.).

مبحث سوم: امنیت حیثیت افراد

حیثیت در لغت؛ مترادف آبرو و شئون اجتماعی و تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی می‌باشد و در اصطلاح، مجموعه سوابق احترام‌آمیزی است که فرد در ارتباط با دیگر افراد، ترتیب زندگی و کار به دست آورده است و میان همه طبقه‌ها و گروه‌های مردم با هر فکر و عقیده، کاربرد دارد.^{۵۲} بدین جهت اصل ۲۲ ق.ا. مصونیت حیثیت را نسبت به سایر موارد در مقام برتری قرار داده و اعلام می‌کند که «حیثیت ... اشخاص از تعرض مصون است». اصل ۳۹ ق.ا. نیز به اهمیت حفظ حیثیت و حرمت افراد بازداشتی، زندانی و تبعید شده اشاره می‌نماید.

اسناد بین‌المللی به آزادی و امنیت اشخاص که می‌تواند به نوعی دربرگیرنده حیثیت معنوی افراد باشد، صراحتاً اشاره کرده است. چرا که هر کس «حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی» (ماده ۳ اعلامیه و نیز بند ۱ ماده ۹ میثاق و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی و بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون امریکایی) دارد و «شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود» (ماده ۱۲ اعلامیه و نیز ماده ۱۷ میثاق). حیثیت افراد در قوانین کیفری ایران مورد حمایت قرار گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

بند اول: امنیت حیثیت افراد در جرایم مستوجب حد

در جرایم مستوجب حد، جرم «قذف» از جمله جرایمی است که با ارتکاب آن، حیثیت افراد لکه‌دار می‌شود. در این جرم به افراد نسبت زنا یا لواط (ماده ۱۳۹ ق.م.ا.)، و در کمتر از آن نسبت

^{۵۰} رضا نوربها، «شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد»، مجله کانون وکلا، ۱۳۸۶، ش ۱۴۹-۱۴۸، ص ۱۸۹.

^{۵۱} البته باید توجه داشت که مقصود از شکنجه در عرف هر دو شکنجه روحی و جسمی می‌باشد و می‌تواند برای کسب اقرار، سوگند یا شهادت به کار گرفته شود (اصل ۳۸ قانون اساسی). اما ماده ۵۷۸ ق.م.ا. صرفاً به شکنجه بدنی و به منظور اقرار اشاره دارد.

^{۵۲} جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پایدار، ج ۷، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲.

مساحقه و سایر کارهای حرام (تبصره ۲ ماده ۱۴۰) یا دشنامی که دلالت بر قذف ندارد (ماده ۱۴۵ ق.م.ا.)، داده می‌شود. مقنن به جهت جلوگیری از تبعات منفی شیوع چنین اتهاماتی به افراد، با استناد به آموزه‌های فقهی و شرع اقدام به جرم‌انگاری چنین اعمالی کرده است.

بند دوم: امنیت حیثیت افراد در جرایم تعزیری

۱- توهین و فحاشی

توهین و فحاشی، از ابزارهای تخریب شخصیت افراد که با انتساب الفاظ رکیک و به دور از شأن و کرامت انسان صورت می‌گیرد، در خدمت عده‌ای از افراد بی‌بهره از تربیت خانوادگی قرار گرفته است. مقنن به منظور جلوگیری از تبعات منفی چنین رفتارهای غیراجتماعی و به دور از ادب و نزاکت اسلامی و ممانعت از شایع شدن چنین مرامهایی، بر حسب این که مخاطب آن فرد عادی (ماده ۶۰۸ ق.م.ا.) یا مقامات رسمی و دولتی (ماده ۶۰۹ ق.م.ا.) باشد، واکنش کیفری نشان داده است.

۲- نشر اکاذیب

اظهار و نشر اکاذیب یا انتساب عمل خلاف حقیقت، «صرف‌نظر از جرم بودن اعمال انتسابی»،^{۵۳} رأساً یا به عنوان نقل قول به اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت تصریحی یا تلویحی از موضوعاتی است که حیثیت معنوی افراد را لکه‌دار می‌سازد و محکوم به کیفر است (ماده ۶۹۸ ق.م.ا.).

۳- افتراء

در جرم افتراء فرد امری را صراحتاً به دیگری نسبت می‌دهد یا منتشر می‌کند که طبق قانون جرم محسوب می‌شود. ماده ۶۹۷ ق.م.ا. برای مرتکب این جرم، مجازات پیش‌بینی نموده است. در ماده ۶۹۹ قانون مذکور به جرم افتراء عملی اشاره شده و آن زمانی است که فردی عالماً و عامداً ادوات و آلات جرم و اشیائی که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب و کار یا جیب و ... متعلق به او بگذارد یا مخفی کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد. در هر دو جرم موضوع مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ ق.م.ا. حیثیت افراد مخدوش و لکه‌دار می‌شود.

۴- هجو

هجو از مصادیق توهین است که به شکل خاص و از طریق نظم و نثر (کتبی یا شفاهی)، ارتکاب

^{۵۳} ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۴، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷.

می‌یابد. مقنن در ماده ۷۰۰ ق.م.ا. این عمل را ممنوع شناخته است تا «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و هجویه را منتشر نماید، ...» به مجازات محکوم شود.

نتیجه‌گیری

تحقق مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در پرتو امنیت فردی، امنیت قضایی و امنیت حیثیت افراد، بی‌نیاز از مداخله دولتها نیست تا در پرتو آن مناسبات اجتماعی افراد و نهادهای مدنی توسعه یابد و از ظهور مؤلفه‌های ناامنی جلوگیری شود. در همین راستا مقنن جمهوری اسلامی ایران سعی کرده است تا تحقق بخش عمده‌ای از مؤلفه‌های امنیت اجتماعی را ضمن هماهنگی کامل با مقررات و اسناد بین‌المللی (مواد ۳، ۱۶ و ۱۷ اعلامیه و مواد ۶ و ۲۳ میثاق)، در پرتو حمایت کیفری کافی و متناسبی قرار دهد. در حالی که استقرار امنیت اجتماعی محتاج قوانینی است که محتوای آن همگام با تحولات روز و نیازهای جامعه باشد، تا شایستگی و توان پاسداری از امنیت جامعه را ضمن صیانت از آزادیها و ارزشهای مورد قبول جامعه داشته باشد.

جرایم رایانه‌ای از جمله جرایم نوظهور، علاوه بر این که فضای عمومی جامعه را ناامن می‌سازد، حریم خصوصی افراد را هدف می‌گیرد و به اشخاص خسارت مادی و معنوی وارد می‌سازد. با توجه به گستردگی کاربرد اینترنت در دنیای امروز، ضروری است که قضات در اجرای قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، اهتمام بیشتری داشته باشند، تا این که این عرصه با نفوذ به حریم خصوصی افراد یا انتشار محتویات مستهجن ناامن نشود.

فهرست منابع و مآخذ

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، ج ۴، قم، انتشارات اشراق، ج ۲، ۱۳۸۱.
- آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات و عدالت و انصاف، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۸۳.
- اشتراوس، لئو، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- اصفهانی، راغب، مفردات، ج ۱، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۳.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸
- انصاری، باقر، «حریم خصوصی متقاضیان کار و کارگران»، نشریه علمی تخصصی حقوق عمومی، ۱۳۸۵، ش ۱.
- بخشنامه شماره ۱۳۷۸/۱۲/۱-۱۷۸/۱۲۶۷۰ رییس قوه قضاییه
- بوزان، باری، مردم، دولتها و هراس، تهران، ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- جلیلود، یحیی، مسئولیت مدنی قضات و دولت، تهران، نشر یلدا، ج ۱، ۱۳۷۳.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ج ۱، ۱۳۸۷.
- خلیلی، رضا، «مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ش ۲.
- داوری، رضا، اندیشه پست مدرن، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۸.
- رحمدل، منصور، «حق انسان بر حریم خصوصی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۴، ش ۷۰.

- زارعی، محمدحسین، «امنیت قضایی به مثابه حق»، مجلس و پژوهش، ۱۳۸۶، ش ۵۶.
- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا، «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵، ش ۲۲.
- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، چ ۱۷، ۱۳۸۳.
- صادقی، محمدهادی، «ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱، ش ۱.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۸۲.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، چ ۵، ۱۳۷۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱۹، ۱۳۷۹.
- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چ ۱۲، ۱۳۸۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قرب، حسین، «تحولات طبقات اجتماعی در ایران و تهدیدات بالقوه آن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷۷، ش ۱۴۴-۱۴۳.
- کاظمی، علی اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران، نشر قومس، چ ۱، ۱۳۵۲.
- کاظمی پور، شهلا، «جمعیت و امنیت ملی»، همایش توسعه و امنیت عمومی، ۱۳۷۵.
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم (ایتالیا).
- کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان، ۱۹۵۱.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۴، ۱۳۸۷.
- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۴۴؛ و نیز
- قدیر نصیری، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، راهبرد، ۱۳۸۱، ش ۲۶.
- محبوبی منش، حسین، «امنیت و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۱، ش ۱۸.
- مدنی، جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران، نشر سروش، چ ۱، ۱۳۸۲.
- مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پایدار، چ ۷، ۱۳۸۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۶۳.
- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۱.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.
- میرشمس شهبهانی، مانده، «حمایت از حریم خصوصی در جریان تحقیقات مقدماتی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- میرمحمدی، محمد، «توسعه و امنیت»، فرهنگ اندیشه، ۱۳۸۴، ش ۱۵-۱۴.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در: علوم جنایی (نکوداشت‌نامه استاد محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۸۳.
- نگاهی به حقوق شهروندی و آزادیهای مشروع در رسیدگیهای کیفری، معاونت آموزش قوه قضاییه، تهران، نشر قضا، چ ۱، ۱۳۸۴.
- نوربها، رضا، «شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد»، مجله کانون وکلا، ۱۳۸۶، ش ۱۴۹-۱۴۸.

- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، قم، مجتمع آموزش عالی قم، ج ۱، ۱۳۷۵.
- Doenges, G. Wilson, *An Exploration of Sense of Communities, Environment & Behavior*, 2000.
- Jones, Richard W., *Security, Strategy & Critical Theory*, London, Lynne Rienner Publications, 1999.
- Scheider, M.C., T. Rowell & V. Bezdikian, "The Impact of Citizen Perceptions of Community Policing on Fear of Crime; Findings from 12 Cities", *Police Quarterly*, 2006.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 1

2010-1

Articles

Claim Description in the Law and Judicial Practice • Fundamental Principles of UNCITRAL Electronic Communications Convention • Social Security Components in Criminal Laws • Recognition in International Law: Legal Effects of Recognition of Kosovo, South Ossetia and Abkhazia • Principles of Conflict of Evidences • The Effects of the International Criminal Law in the Middle-East; from the Saddam's Trial to the Hariri's Accused Prosecution

Special Issue: The Stock Exchange (Some Considerations on the Law of Iran and other Countries)

Fundamentals of Obligation for Providing Information to Stock Exchange • Comparative Study of Prohibitions of Insider in Securities Dealing in E.U., English, French and Iranian Laws • Some Considerations on the Offense of Insider Trading • Combating the Securities Fraud in the Stock Exchange (The Case of the U.S.) • Some Considerations on Judgments about the Insider Trading in the Stock Exchange • The Stock Broker Liability and the Process of Bringing the Case before the Proper Forum • The Liability of Brokers for the Unauthorized Transaction of Securities in the Approach of Arbitration Board • Sukuk's Rule in Financing the Projects and its Rules and Regulations • Arbitration of Disputes in Commercial Paper Market • The Nature and the Jurisdictions of the Board of Arbitration of the Stock Exchange • The Rules Governing the Formation of Public Joint-Stock Companies in light of the Securities Market Act • Legal Consequences of Iran's Accession to WTO on Securities Service • Cross-Border Stock Exchange Mergers: an Illusion or a Reality?

Critique and Presentation

Some Considerations on the "ICJ's Kosovo Advisory Opinion" • Considerations on the Concept of the 'Aggression' in the Review Conference of the Statute of International Criminal Court • Some Critics on the Modern Law of Compulsory Insurance of the Owners of Vehicles 2008 • The Non-Traditional Trademarks • Resolution 1929 of the Security Council: The Challenges of the Power and the Right in a Divided World • The 6th Round of the Moot Court Simulation of the International Criminal Court's Session (2010 Summer and Autumn)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study